

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و سوم سال اول درس خارج فقه العروة الوثقی - 13 آبان 1402

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)

صفحات 17 و 18: [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

اخلاق

به مناسبت بحث اخلاقی که برخی از روزها به آن می پردازیم گفته می شود، وجود مقدس امیرالمؤمنین مولى الوحیدین در دعای کمیل می فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ.»  
در اینجا چند نکته به ذهن می آید که بررسی آن ها برای جامعه و خودمان کارآمد است:

- 1- آیا تقسیم بندی گناهان در دعای کمیل، صفت احترازی است یا توصیفی؟ به توضیح دیگر آیا حضرت در صدد تقسیم گناهان هستند و می گویند یک قسم گناهان آن است که انسان را بی پروا و افسارگسیخته می کند و یک قسم دیگر گناهان آن است که نقت و عذاب را نازل می کند و... که در این صورت حضرت در صدد تقسیم گناهان بوده و صفت احترازی می شود. با این بیان هر گناهی اثر خاص خود را دارد و شایسته است در این زمینه کار شود و آثار گناهان روشن گردد. در رابطه با کار خیر نیز اینگونه است که هر کار خیری اثر خاص خود را دارد مثلاً صدقه یک اثری دارد، برای خدمت به پدر و مادر یک اثر بیان شده و برای خدمت به دیگران یک اثر. اگر اینطور باشد می شود تقسیم گناه به پنج قسم و صفات هم می شود صفات احترازی. اما اگر حضرت در صدد تقسیم نباشند بلکه در صدد آن باشند تا آثار گناهان را بیان کنند، پس عبارت های دعای کمیل، صفت توضیحی بوده و آثار گناهان را بیان می دارد. یعنی همه گناهان ممکن است که آثار مذکور را داشته باشند و صفت توضیحی باشد نه احترازی تا برخی از گناهان خارج شوند مثلاً وقتی می گوید خدای عادل، این صفت توضیحی است یعنی احترازی نیست و نمی خواهند خدای ظالم را خارج سازند. پس مقصود حضرت آن است که همه گناهان و ذنوب این آثار را دارد.
- 2- آیا گناهان فقط همین آثار را دارند و منحصر در این امور است؟ یا اینکه آثار دیگری هم برای گناهان است؟ مثلاً ریزش؛ اینکه انسان بریزد و از ولایت خدا خارج شود. گاهی در روایات هست که از ولایت خدا یا از ولایت ما اهل بیت خارج می شود. امروزه در فارسی به آن می گویند ریزش، انسان می ریزد. حالا ممکن است این ریزش در ذیل یکی از این آثار قرار گیرد. ممکن هم است که گفته شود نظر حضرت به انحصار نبوده تا همه آثار در ذیل همین آثار بیان شده قرار گیرند. بلکه ممکن است آثار دیگر هم باشند که در جای دیگر گفته باشند. من دوست دارم بر اساس همین محور بحث را برای شما بگویم. بحث ریزش است. فضلاً، انسان بترسد خوب نیست، ولی بی پروا نباید باشد. من حکایتی را از شیخ استادمان آیت الله وحید (سَلَّمَهُ اللهُ) نقل می کنم. در جمعه شب به تاریخ 04/09/90 در جلسه ای خدمت ایشان بودم. این مطلب را خودم بدون واسطه و با گوش-های خودم شنیدم که ایشان می فرمود: موقعی من خدمت سید عبد الهادی شیرازی بودم، خیر فوت آقا سید جعفر شیرازی برادر خانم آیت الله سید عبد الهادی شیرازی به ایشان رسید. آقا سید جعفر ظاهراً تهران بوده و فوت می کند و خبر فوتش به برادر خانم ایشان در نجف می رسد و بعد به آقا سید عبد الهادی می رسد. آیت الله سید عبد الهادی می فرماید حالا که آقا سید جعفر فوت کرده من این مطلب را نقل می کنم: شب اول محرمی من سید عبد الهادی شیرازی در خواب دیدم امام حسین با حضرت

ابا الفضل العباس وارد منزل ما شدند و یک دفتری دست حضرت ابا الفضل بود و آمدند دو تا صندلی گذاشتند و امام حسین و ابا الفضل نشستند و من (سید عبد الهادی) هم خدمتشان بودم. دیدم امام حسین به ابا الفضل فرمودند: این اسم را خط بزن و اسم آقا سید جعفر را بنویس. ابا الفضل هم آن اسم را به عنوان عزادار خط زدند و اسم آقا سید جعفر را به عنوان عزادار نوشتند. آقا سید عبد الهادی می گوید این خواب به قدری هیبت و سولت داشت من را بیدار کرد و دیگر خوابم نبرد. همینطور نشستم، این دیگر چه خوابی بود؟ این سید جعفر دیشب چه کار کرده؟ تا صبح شد و آقا سید جعفر آمد منزل ما (سید عبد الهادی). (سید جعفر فرع را می خوانده مثل ما که عروه را می خوانیم و سید عبد الهادی درس می داده. ظاهراً چشم ایشان مشکل داشته است.) سید عبد الهادی می گوید سید جعفر دیشب چه کار کردی؟ یک کاری باید کرده باشی. سید جعفر می گوید رفتم حرم حضرت امیر زیارت کردم و آمدم بیرون و گفتم خدایا ما برای امام حسین خیلی گریه کردیم ولی نگریانیم. (طلبه های نجف اهل تبلیغ که نبودند) گریه کردیم ولی کسی را نگریانیم. شب اول محرم بود رفتم (سید جعفر) در حجره یکی از طلبه ها کتاب جلاء العیون مجلسی را گرفتم که راجع به ذکر مصیبت و احوالات اهل بیت است و آمدم به زن و بچه ام گفتم بیاید می خواهم برایتان روضه بخوانم و از روی جلاء العیون مجلسی روضه را خواندم. حالا شما هم می گوید برای من این خواب را دیده اید. آیت الله وحید فرمود به نظرم آقا سید عبد الهادی آن اسمی که خط خورده بود می دانست ولی خُب کسی نباید بگوید و آبروی افراد را ببرد ولی ایشان (آیت الله وحید) می گوید بالاخره یک جوری به ایشان نشان داده بودند. برای امام حسین نباید گفته شود آیا این شریعت داشته است یا خیر آن ها می دانند که باید چه کار کنند.»

آقایان بحث این است که گاهی وقت ها انسان کاری می کند که می ریزد و حذفش می کنند. گاهی وقت های ملحقش می کنند این یعنی دائم در حال رفت و برگشت است. ریزش، ریزش، ریزش، ریزش. حالا گناهی که انسان را از ولایت خداوند و از ولایت اهل بیت خارج می کند یا یک کاری که انسان را داخل در ولایت خدا و اهل بیت می کند. گاهی یک کار کوچک و ساده است ولی مزد بزرگ دارد و گاهی کار کوچک دارای نکبت های بزرگ است. این دعاها را با دقت بخوانیم. یکی از دوستان ما آقای دکتر ترکمان، از ایشان نقل می کنم خبر مرسل نیست. ایشان می گوید: در روسیه که بودیم برخی از کلیساها دیدم که آن آقای کشیش دارد جزوه ای را به زائران کلیسا می دهد یا می فروشد. رفتم دیدیم که آن دعای کمیل ما است که خود ما هم به زبان روسی ترجمه کرده بودیم. ایشان به آقای کشیش می-گویند می دانید این چی هست؟ گفت نه! می دانید برای چه کسی هست؟ گفت نه! گفت پس چرا به زائران کلیسا این جزوه را عرضه می کنی؟ کشیش گفت: چون خیلی با خدا زیبا صحبت کرده است. من گاهی عرض کردم دعای کمیل را شما به دست یهودی، مسیحی، بودایی و... که یک معبودی را قبول داشته باشند بدهید می توانند بخوانند.

امیدواریم که خدای متعال به ما استفاده از توفیقات را بدهد. بالاخره من و شما در اینجا به حسب ظاهر راحت (البته هیچ مسلمان و انسانی این روزها خیلش راحت نیست) نشسته ایم. باید دعا کنیم برای مردم مظلوم غزه و فلسطین.

### پرسش و پاسخ

1- تقلید در مورد دختر 9 ساله چگونه متصور است؟ آیا مطابقت عمل با پدر، مادر، معلم و... مجزی بوده و مصداق تقلید است؟

پاسخ: این سؤال خوب است. من اگر بخوام این سؤال را گریه کنم می گویم: شما می گوید تقلید یعنی التزام عمل با استناد به نظر مجتهد معین. اگر سن بلوغ را 9 سال بدانیم این برای این بچه چگونه متصور است؟ اینجا ممکن است کسی بگوید «التقلید فی کل شیء بحسبه». یک دختر 9 ساله به سال قمری و به سن قمری هشت سال و نه ماه فرق می کند با یک انسان 20 ساله. ولی ما اصرار نداریم در یک چنین بچه ای تقلید محقق شود. اصلاً ممکن است نرسد و نفهمد چه چیزی می-گویند که باید تقلید کنی و متوجه نشود. البته بچه ها متفاوت هستند، برخی 9 ساله ها مانند 12 ساله ها هستند و برخی مانند 7 ساله ها. اگر تصور نکند تقلید را که هیچ. با این بیانی که ما از تقلید داشتیم که تقلید لازم نیست و اگر عمل مطابق باشد کافی است، کفایت می کند. اما اینکه مانند پدر و مادرش عمل می کند آیا تقلید است یا خیر؟ این تقلید نیست. در تقلید استناد خط قرمز است. یعنی تقلید را می توان گفت بدون عمل یا بدون الزام است اما به بدون استناد نمی-شود.

2- آیا برای مقلد هم شرایطی هست؟ مثلاً مجتهد می تواند تقلید کند؟

پاسخ: اجازه دهید برخی مطالب در آینده بررسی شود. حالا فقط اشاره می کنم. مقلد شرطی ندارد و فقط بحثی هست که آیا بلوغ

شرط است یا نه؟ البته من یادم نمی آید که صاحب عروه وارد این بحث شده باشد و باید خودمان وارد شویم. در رابطه با تقلید، عقل لازم است و نمی توان گفت دیوانه تقلید کند. اما بلوغ محل بحث است. برخی بلوغ را در تقلید قبول ندارند و تقلید ممیز را قبول دارند. این بچه ممیز از مجتهدی تقلید می کند، وقتی به بلوغ می رسد مجتهد از دنیا می رود. آیا این بچه می تواند بر این مجتهد باقی باشد یا خیر؟ اگر گفتیم تقلید قبل از بلوغ محقق است می تواند باقی باشد. اما اینکه مجتهد می تواند تقلید کند یا نه؟ این از آن بحث هایی است وعده آن را داده ایم. ببینید اگر مجتهد بالفعل هست، خیر. یعنی اگر در مورد مسأله ای نظر داریم نمی توانم تقلید کنم. بلکه بعضی وقت ها مجتهد فرصت کار در مسأله ای را پیدا نکرده یا به کار و رشته دیگری مشغول است. این فرد اگر بخواهد به فقه برگردد از آن کار باز می ماند؛ به نظر ما چنین فردی می تواند تقلید کند. دلیل ندارد که باید برود اجتهاد کند.

3- روش حکومتی پیامبر در ایجاد محدودیت در تسلط بر مال شخصی که قصد آزار و اذیت دارد را چگونه می توان بر مورد شخصی که قصد ضرر ندارد و زمین او را گرفته و ساخته اند، اجرا کرد؟ در واقع وجه اشتراک چیست؟ ضمن اینکه اگر این روش پیامبر به صورت قانون در آید چطور و بر چه مبنای شرعی باید منضبط باشد و اجرا شود؟ مثلاً چقدر ضرر و چه قدر متراژ زمین اگر باشد قانون گذار می تواند از حدیث پیامبر استفاده کند؟

قبلاً این را جواب داده ایم. ولی چون این نکته هست که اگر یک جا بخواهیم از یک تشبیه استفاده کنیم فقط وجه شبه را باید دید چیست؟ عرض ما این بود که اگر مالک بخواهد از حقتش استفاده کند ضرر زیادی به دیگران وارد می شود؛ ما این را به صورت قانون درآوردیم، قانون «محدودیت مالک در استفاده از حقتش». حالا دائم بگویید ثمره بن جنذب، انسان خبیث و لجاجت بود و... ولی این آقا که زمینش را گرفته اند انسان خوبی است!

ما این را می دانیم و نمی گوئیم همه مانند ثمره بن جنذب هستند. بحث بر سر این است که مالک زمینی که اشتباهاً یا با سوء استفاده یک نفر مورد تصرف قرار گرفته و این زمین توسط افرادی دست به دست شده است و میلیاردها تومان در این زمین خرج شده است اگر بخواهند زمین او را بدهند خسارت زیادی به دیگران وارد می شود و این در حالی است که خسارت صاحب زمین قابل جبران است و هیچ کس نمی گوید که مالک متضرر شود. ما گفتیم که مالک می تواند از طرف حکومت حمایت شود و زمینی بهتر از زمین خودش را به او بدهند. در اینجا نه خانه ای خراب می شود و نه کسی متضرر می شود. اما اینکه دوستان سؤال می کنند چند متر زمین؟ اینها دیگر مسائل حکومتی است و نمی توان متر و خط کش گذاشت و به تشخیص حکومت است. البته منظور حکومت جور نیست و البته ممکن است برخی جاها مصلحت اقتضا کند حکم به تخریب داده شود. مثل جایی که دست به دست نشده است یا فرد غصب کرده است.

تذکر: من گفته بودم که از اجتهاد شورایی کمتر بحث شده، دوستان زحمت کشیدند و مواردی را آورده اند که بحث شده و خود ما خبر داریم. پایان نامه ای را هم تحت عنوان اجتهاد شورایی، بنده به عنوان استاد راهنما بودم. منظور من در حواشی عروه از این 41 مراجعی که حاشیه دارند بوده است.

ادامه بررسی مسأله 8

در این مسأله بعد از بیان موضوع، بیان شد که در تقلید در 5 مورد اختلاف بود و یک تبعی را صورت دادیم و قرار شد از دو نفر صحبت کنیم:

**آیت الله حکیم قدس سره**

آقای حکیم در یک صنوع و تلاشی که برای ما خالی از تعجب هم نیست و حالا می گوئیم و شما داوری کنید؛ ایشان آمده در ذیل مسأله 8 به برخی از اقوال اشاره کرده است و حتی برخی از اقوال را آورده که فکر کنم ما هم به آن اشاره نکرده ایم. ایشان می فرماید در مسأله اختلاف است ولی این اختلاف، لفظی است و در صرف تعبیر با هم اختلاف دارند. در اصول در معنای وضع، تعبیر مختلف را گفتیم که اختلافشان در تعبیر است و گرنه وضع یا استعمال چیزی است که کسی نفهمد که فلان آقا این را گفته یا فلان آقا این را گفته است؟ حالا آیت الله حکیم هم می فرماید تقلید هم همین است و اختلاف در محض تعبیر است. ایشان متمایل می شود که همگان تقلید را به عمل می دانند، اگر به لغت و عرف رجوع شود، تقلید را به عمل می دانند. بعد ایشان می فرماید: «هذا کله»، یعنی این برای جایی است که مجتهد واحد باشد.

سؤال: آیا واقعاً اختلافات در محض تعبیر بود؟ و همه می گفتند عمل؟ نمی دانم ما که چیز دیگری می بینیم، از آن طرف هم نظر

آقای حکیم است!

اما در جایی که مجتهدهایی که جائز التقلید هستند متعدد باشند، اگر همه آن ها یک مطلب را بگویند (مثلاً فرض می گیریم در زمان ما سه تا مجتهد هستند که هر سه نفر آن ها یک بار تسبیحات اربعه را در نماز کافی می دانند) در اینجا لازم نیست به کسی استناد دهیم و اگر هم بپرسند می گوئیم صبح مقلد فلانی هستیم، ظهر مقلد فلانی، شب هم مقلد فلان مجتهد هستیم. پس از این مجموعه تقلید می شود و اگر هم بپرسند مقلد شما کیست؟ گفته می شود این سه نفر، چون متحد النظراند. خُب طبق نظر صاحب عروه باید استناد داد و آقای حکیم می گوید من این را قبول ندارم.

اما اگر بین مجتهدین متعدد جائز التقلید اختلاف باشد، چون این مطلب محل بحث است و دو نظر کاملاً متفاوت وجود دارد، ادامه بحث در جلسه آینده مطرح می شود.

**و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین**